

ماندگار می گردد. (۳) وی با پشتکار وجدیت در حوز علمیه این شهر به درس و بحث پرداخت و علوم و فنون مختلف را با اشتیاق یاد گرفت و در ادبیات عرب، منطق، فقه و اصول سر آمد هم درسان خود شد. با بهره جویی از سرعت انتقال و توان استنتاج خارق العاده با خواندن یک کتاب در رشته ای از علوم، سایر کتب همان رشته را خود می خواند یا به دیگران درس می داد. او احساس خستگی در تحصیل را با تفکر در آفاق و انفس می گذراند و بیهوده اوقاتش را از دست نمی داد. روزی پدر برای سرکشی به فرزند به قزوین می رود. در آن موقع شمال ایران در چنگال «وبا» گرفتار آمده سید صفدر می گوید: دیدم پسر مشغول مشاهده قلب و اعضا و جوارح مردگانی است که به مرض وبا درگذشته اند. به او گفتم: مردم همه از وبا می گریزند، تو چگونه خود را به مردگان مشغول می داری؟ جواب داد: می خواهم بدانم که این مرض در اعضا و جوارح انسان چه تاثیر دارد! (۴)

ورود به تهران

سید جمال الدین در سال ۱۲۶۶ ق. در معیت پدر وارد تهران شد. در این هنگام امیر کبیر در سمت صدارت عظمی همچنان قدرت را در دست داشت. سید جوان در آغاز ورود به این شهر، پس از استراحتی کوتاه، اقدام به شناسایی پایتخت و اوضاع و احوال حکومتی آن می کند و آنگاه سراغ بزرگترین مجتهد وقت (آقا سید محمد صادق طباطبایی همدانی) را می گیرد و در پای درسش می نشیند، تا ضمن افزودن به معلومات خود، محیط درس و دایره نفوذ حکم آن سرور را از نزدیک ببیند. او بی درنگ مباحثه علمی را با استاد آغاز می کند به طوری که آقا سید محمد صادق را خیلی زود شیفته خود می گرداند و استاد نیز وقتی از فضل و کمال سید آگاه می شود برای اولین بار عمایه بر سر شاگردش می گذارد. (۵)

نبوغ علمی و فضل و کمال سید بسرعت فضای شهر تهران را فرا می گیرد و بیشتر علما، فیض حضورش را غنیمت شمرده، به خدمتش می رسند. آنان سپس چند روزی هم به دعوت حاج میرزا محمود طباطبایی، در منزل وی پذیرایی میشوند و همچنان علما و طلاب به دیدارشان می شتابند. (۶)

هجرت به نجف

سید صفدر در مدت اقامت خود در تهران، به اسرار پیچیده ای که در روح و روان فرزند دلبندهش نهفته بود، بیش از پیش پی برد. او جوان خود را در برخورد با عالمان بزرگ و مجتهدان بلند پایه، همانند دانشمندی زیر دست و مطلع از رموز علوم یافت که زبانی گویا و سخنی نافذ داشت. براین اساس مصمم شد وی را به مرکز حوزه علوم و معارف اسلامی (نجف اشرف) ببرد و به دریای پر تلاطم

علم شیخ انصاری (استاد بزرگوار خود او) وصل سازد. سید در سال ۱۲۶۶ ق همراه پدر به قصد نجف اشرف از تهران حرکت می کند و بعد از سه ماه توقف در بروجرد و مباحثه علمی با عالمان آن شهر، به عتبات علیات مشرف شده، به خدمت شیخ مرتضی انصاری - طاب ثراه - می رسد. وی چهار سال در خدمت آن عالم فرزانه مشغول تحصیل علوم اسلامی می شود و در علوم تفسیری، حدیث، فقه، اصول، کلام، منطق، فلسفه، ریاضی، طب، تشریح، هیئت و نجوم به تحقیق می پردازد و در تمام این مدت مخارج سید جمال الدین را شیخ انصاری به عهده می گیرد و در نهایت درجات علمی او را تصدیق و به فتوا دادن در امور شرعی اجازه اش فرماید. این در حالی بود که آوازه فراست و نبوغ سید جمال، عالمان نجف، کربلا و سامرا را به حیرت واداشته بود، تا این که مورد حسدو کینه برخی نااهلان قرار گرفت و به توصیه استاد بزرگش، در سال ۱۲۷۰ ق روانه شهر بمبئی در هندوستان شد. (۷)

سید در هند و افغان

وی در ۱۶ سالگی به همراهی یکی از علمای مورد وثوق، از راه آبی (بوشهر - بمبئی) وارد شهر بمبئی شد ولی از آن جاییکه بمبئی بیشتر یک بندر تجاری بود تا یک شهر علمی، نتوانست به روح پر خروش سید آرامش لازم دهد، از این رو پس از مدتی به اطراف ایالات مرکزی هند حرکت کرد و خود را به مرزهای شرقی هند (کلکته) رسانید.

وی در مدت دو سال اقامت در آنجا و ضمن ملاقات با عالمان و روشنفکران و مشاهده زندگی مردم بخوبی دریافت که هندوستان یکسره در اختیار دولت انگلیس است و کشور بریتانیا گرچه به اندازه یک ایالت هندوستان نیست و جمعیتش در مقایسه با جمعیت هندوستان ناچیز به شمار می رود توانسته است به آسانی این کشور پهناور را زیر سلطه در آورد و تمامی منابع ملی و محصولات با ارزش و حتی جان و مال و ناموس آنها را به غارت ببرد.

از این زمان بود که فعالیت‌های سیاسی و اصلاحی سید جمال الدین آغاز شد. او در ضمن شناسایی استعدادهای دشمن استعمارگر و بررسی جنبه های قوت و رمز موفقیتشان، به تجزیه و تحلیل علل و منشاء ضعف و انحطاط مسلمین بر آمد و در پی یافتن راه حل های اساسی، شب و روز تلاش کرد. در این موقع افغانستان بتازگی از ایران جدا شده و به پشتیبانی انگلیسها بر ضد حکومت ایران شوریده و به حکومت نیمه مستقلی رسیده بود. بنابراین سید تصمیم گرفت به افغانستان برود و مردم آن کشور را بیدار کند و آنان را از حیلۀ بریتانیا آگاه سازد. او در سال ۳ - ۱۲۷۲ ق (۱۲۳۴ ش) به قصد مکه و زیارت خانه خدا از هندوستان خارج شد. سپس تا اواخر

سید جمال

مدرسه جامع الازهر با علمای بزرگ آن کشور ملاقات کرد و در اقامتگاه خود برای جوانان عرب کرسی درس بر پا نمود و با سخنرانیهای پر شور آنان رامجذوب خویش ساخت. ولی این سفر چهل روز دوام نیاورد زیرا حکم اخراج وی از سوی «خدیدو مصر» صادر شد و سید به ناچار روانه استانبول شد. وقتی ترکان عثمانی خبر آمدن سید را شنیدند بسیار خوشحال شدند و دو شخصیت علمی و سیاسی امپراتور عثمانی «عالی پاشا» صدر اعظم و «فواد پاشا» به پیشواز سید شتافتند و او را در دربار مورد تکریم و مشاور خویش قرار دادند. ولی چندی نگذشت که در اثر کج اندیشی و ترس درباریان و حسادت «شیخ الاسلام»، سلطان عثمانی دستور داد تا سید مدتی را به خارج از استانبول سفر کند. از این رو، وی در سال ۱۲۸۷ ق. به بهانه سفر سیاحتی و مشاهده آثار باستانی بار دیگر وارد کشور مصر شد. در این سفر، پس از دیداری که میان سید و ریاض پاشا (رئیس دولت مصر) انجام پذیرفت، ریاض پاشا سخت شیفته کمالات روحی و معنوسید شد و از او خواست تا در مصر اقامت گزیند. سید جمال الدین از این فرصت طلایی استفاده جست و نخست در منزل جلسه درس و بحث برای جوانان دانشگاهی و طلاب پر شور تشکیل داد و سپس آن را به دانشگاه الزهرا انتقال داد و شاگردان بسیاری را مشتاق خویش ساخت. او علاوه بر اساتید و دانشمندان بزرگ مصر با روشنفکران و مردم ارتباط برقرار می کرد. حتی در قهوه خانه های مصر حاضر می شد و افکار و اندیشه های خود را برای مردم بیان می داشت، به طوری که در طول چند سال اقامت در آن کشور توانست تحولات بزرگی را از نظر فرهنگی، سیاسی و اجتماعی در اذهان مردم ایجاد کند. او با نوشتن مقالات گوناگون در روزنامه های کثیرالانتشار مانند، مصر و التجاره (که بایشنهادهای کثیرالانتشار مانند، مصر و التجاره بودند)، ادبیات مصر را از ریشه دگرگون ساخت و ضمن رشد و آگاهی دادن به مردم، توطئه های پشت پرده دشمنان را بر ایشان معرفی کرد تا اینکه رضا پاشا این دو روزنامه را توقیف کرد ولی سید همچنان به راه خود ادامه داد و مبارزه سختی را بر ضد دولتهای خارجی و استبداد داخلی آغاز کرد و در نهایت شب ۱۷ رمضان ۱۲۹۶ هـ توقیف و به «سوئز» فرستاده شد تا وی را از آنجا به کشور ایران گسیل کنند.^(۸)

دارایی سید در مصر، منحصر به یک کتابخانه بود که هنگام توقیفش، کتابهای آن را «چرس» مستشار انگلیس مالیه مصر، به تصرف خود در آورد ولی بعدها ناگزیر شد آنها را در چند صندوق نهاده به دنبال صاحبش به بندر بوشهر بفرستد.^(۹)

۱۲۷۵ ق. از مکه مسیر مدینه، اردن، دمشق، حمص، حلب، موصل، بغداد و نجف را طی کرد و اوضاع تمامی شهرهای مهم اسلامی را بررسی نمود و در نهایت خود را به وطن اصلی (اسد آباد همدان) رساند. اما با اوضاع نابسامانی که در تهران با آنها روبرو شد نتوانست در ایران توقف کند و از همین رو از راه خراسان عازم «هرات و کابل» گردید. سید بعد از ورود به افغانستان، حدود پنج یا شش سال در آن کشور اقامت کرد و فعالیت های اصلاحی چشمگیری را به انجام رساند و رهبران سیاسی و مردم افغانستان را از نقشه های پشت پرده استعمار پیر، انگلیس آگاه ساخت که نمونه ای از آنها چنین است.

۱. تالیف و نشر کتاب «تمه البیان فی تاریخ الافغان»
 ۲. انتشار روزنامه «شمس النهار»
 ۳. اصلاح اموری از قبیل تشکیل کابینه وزراء، تنظیم سپاه، ایجاد مکتبهای لشکری و کشوری برای جوانان، توجه دادن مردم به زبان ملی، تاسیس بیمارستان، مرکز دامپزشکی، پستخانه و کاروانسراها.
- با گسترش دامنه فعالیت های فرهنگی - سیاسی سید، چون دشمن خود را در آستانه نابودی دید با دسیسه های وسیع عرصه را بر وی تنگ کرد. از این رو سید به ناچار عازم هندوستان شد ولی به محض ورود دانست که دشمن پیشدستی کرده و در کمین اونشسته است. با این حال او شجاعانه وارد میدان نبرد شد و با سخنرانیهای آتشین به روشنگری مردم هندوستان پرداخت و دولت انگلیس بیش از این نتوانست تماشاگر این صحنه ها باشد و در حالی که خود در ابتدای ورود سید جمال الدین، مدت اقامت او را دو ماه تعیین کرده بود، هنوز یک ماه نشده دستور اخراج وی از هند را صادر کرد. این بود که سید تصمیم گرفت هندوستان را به سوی کشور مصر ترک گوید.

حضور در مصر

او در سال ۱۲۸۵ ق. از راه دریا وارد مصر شد و در

طلوع دیگر در هند

سرانجام سید با شاگردش «ابوتراب عارف افندی» یکسره با کشتی وارد جده شد. مدتی در آنجا ماند. سپس به مکه عزیمت کرد و با شخصیت‌های مهم اسلامی تماس برقرار ساخت. نگاه به سوی کشور هند روانه گشت^(۱۰) و این بار علاوه بر مبارزه با استعمار غرب در هند، جبهه دیگری نیز بر ضد افکار روشنفکری در آن کشور بنا نهاد و با اندیشه‌های تجددخواهی «سید احمد خان هندی» که طرفدار همکاری و سازش با انگلیسها بود، به ستیز جانانه برخاست و رهبری هر دو جبهه را بخوبی اداره نمود.^(۱۱)

سید جمال الدین در پی این اقدام به «حیدر آباد دکن» تبعید شد و شرکت در مجامع عمومی از وی سلب گردید. ولی او از پای ننشست و کتاب معروف خود را دررد طبیعیون و افکار متجددانه آنان تالیف کرد. او این کتاب را به زبان فارسی نوشت و سپس به زبان اردو و نیز به وسیله شیخ محمد عبیدو و عارف ابوتراب به عربی ترجمه شد.^(۱۲) علاوه یک جمعیت سری به نام «عروه» را در حیدر آباد تشکیل داد.^(۱۳) و جوانان شجاع و بزرگی را در آن تربیت نمود که بعدها شخصیت‌هایی چون: محمد اقبال، شوکت علی و محمد علی جناح از شاگردان و تربیت یافتگان این جمعیت به شمار می‌آمدند. اما همه این تلاشها در نهایت سبب شد تا سید برای چندمین بار از هند اخراج گردد.^(۱۴)

ستیز در قلب اروپا

او در سال ۱۳۰۰ ق. از هند خارج شد. نخست قصد کشور آمریکا را داشت ولی از این سفر منصرف گشت و در ماه جمادی الاخریایا رجب همین سال وارد لندن شد. مدتی به فعالیت و شرکت در محافل علمی مشغول بود که یکبار به پایتخت انگلستان را به سوی کشور فرانسه ترک گفت و در شهر پاریس برای خودمسکن گزید.^(۱۵) در این حال او مرد جهانی شده بود. زیرا وی به تنهایی قدرتمندترین کشورهای موجود را به هراس و نگرانی وا داشته بود. مجامع سیاسی و علمی اروپا از تلاشهای همه جانبه وی در مشرق زمین برای زدودن جهل و نادانی، مقالات و سخنرانیها ارائه داده بودند. بنابراین همگان مایل بودند این مرد افسانه‌ای را از نزدیک ببینند. مردم فرانسه و سایر مردان دانشمند و آزادیخواه که از کشورهای دیگر در آنجا به سربردند بسان پروانه به دور شمع وجودش گرد آمدند. از مهمترین فعالیت‌های سید در قلب اروپا، می‌توان به شرح زیر نام برد:

۱. راه اندازی مجله معروف «عروه الوثقی» که با مقاله‌های پر شور و مستدل آن، دست پلید استعمار انگلیس را برای مردم، سیاستمداران روشنفکران غافل باز نمود و دشمنان جهان اسلام را بشدت به محاکمه کشید و سرانجام دولت فرانسه به فشار و اصرار انگلیس حکم به تعطیل این مجله داد.^(۱۶)

۲. دیدار وی با «ارنست رنان» حکیم و مورخ مشهور فرانسوی. در این ملاقات بحث‌های فلسفی درباره «علم و اسلام و حقیقت قرآن» انجام پذیرفت که رنان به درستی فرهنگ اسلامی آگاه شد و از بسیاری از عقاید خوددرباره اسلام و قرآن که بر خلاف تمدن و عمران می‌دانست دست برداشت.^(۱۷)

۳. گفتگوهای سید با رجال انگلیس که در صدد بودند تا با هیات تحریریه روزنامه «عروه الوثقی» تفاهم پیدا کنند و او نیز نماینده اش (شیخ محمد عبیده) را در این خصوص به لندن فرستاد.^(۱۸) و همچنین دیدارهای وی با «چرچیل»، «سردردنولف» و «لرد سالیسبری» در مورد حل مساله سودان. در این دیدار رهبران سیاسی انگلستان پس از تعریف و تمجید از وی، پادشاهی کشور سودان را به سید پیشنهاد کردند. او بر آشفت و گفت:

«این تکلیف بسی شگفت‌انگیز است و این کارها دلیل نادانی در امور سیاسی شماست. حضرت لرد اجازه دهید که از شما سوالی نمایم. آیا سودان را مالک شده اید که می‌خواهید مرا پادشاه آن کنید؟! مصر از آن مصریان و سودان هم جزء جدانشدنی آن است.»^(۱۹)

باز گشت به وطن

پس از سه ماه، مذاکرات سران انگلیس با سید جمال الدین به شکست انجامید. وی با هدف ایجاد مرکز خلافت اسلامی در جزیره العرب از پاریس به سوی قطیف رهسپار گشت. در این ایام سید توسط اعتمادالسلطنه و حاج سیاح محلاتی از طرف ناصر الدین شاه به تهران دعوت شده بود. تلگراف‌هایی در پی رسیدن و محافل برای حضورش در تهران آماده گردید. (۲۰) از این رو سید، از سفر به جزیره العرب منصرف و به قصد تهران عازم شیراز شد و در روز ۲۳ ربیع الاول ۱۳۰۴ ق وارد پایتخت شد و در منزل حاج امین الضرب برای خود مسکن گزید، (۲۱) ولی دیری نپایید که مورد ترس و وحشت و کینه شاه و اطرافیان قرار گرفت. شاه به طور محرمانه از حاج امین الضرب خواست تا عذر مهمان خود را بخواهد! از طرفی سید نیز که بنا به

درخواست سیاستمدار و روزنامه نگار روسی (کاتکوف) به مسکو دعوت شده بود، در نهم شعبان ۱۳۰۴ ق به آن کشور هجرت کرد. وی در آنجا دو سال اقامت گزید و با رجال سیاسی، نظامی و مذهبی روسیه دیدار و مذاکره نمود. یک روز تزار روسیه از وی خواست تا «شیخ الاسلامی» مسلمانان آن کشور را به عهده گیرد ولی سید در جواب گفت: من خود را مدافع منافع تمام مسلمانان جهان می دانم. علاوه سید از تیرگی میان دولت روس و انگلیس استفاده کرد و افشاگرهای وسیعی را بر ضد دولت بریتانیا در نشریات روسیه انجام داد که تا آن روز نظیر نداشت.

در این هنگام ناصر الدین شاه که برای شرکت در جشن جمهوری پاریس مازم اروپا بود راهش از طریق روسیه افتاد. وی در این کشور پهناور، سید را چون یاقوت درخشان یافت. سپس در اروپا نیز به هر جا قدم گذاشت، آثار و شهرت سید را در آنجا به روشنی مشاهده کرد. لذا از کار قبلی خود پشیمان شد و در دیداری که با سید در مونیخ داشت سعی کرد گذشته ها را جبران سازد. و او را برای آمدن به ایران و اصلاح وضع سیاسی و اقتصادی کشور تشویق نماید.

سید این تقاضا را به خاطر دفاع از وطن و مصلحت مردم پذیرفت. نخست در محرم ۱۳۰۷ ق. وارد مذاکره با رجال سیاسی روسیه شد و آنها را راضی کرد تا از امتیازاتی که در آن زمان می خواستند از ایران بگیرند، دست بردارند. سپس در هفتم ربیع الثانی همان سال به ایران بازگش تا کار اصلاحات را به طور جدی آغاز کند.

ولی در اثر توطئه های پشت پرده استعمار پیر (انگلستان)، زمینه بد بینی درباریان و شاه فراهم شد. هنوز شش ماه از حضور سید در تهران نگذشته بود که ناگهان نامه شاه در منزل حاجی امین الضرب به دست وی رسید. وقتی سید جمالالدین از حکم اخراج خود آگاه گردید به عنوان اعتراض به شهر ری (حرم حضرت عبدالعظیم حسنی) عزیمت کرد و در آنجا اعلان تحصن نمود و با سخنرانیها پر شور، حرم را به دژی استوار مبدل ساخت. چندی بعد فشار سفارت بریتانیا فزونی یافت و ناصر الدین شاه حکم توقیف و اخراج وی را صادر کرد. وقتی دست خط شاه به دست «مختار خان» حاکم شهر ری رسید، بی درنگ بیست نفر فراش فرستاد و سید را از بست حرم حضرت عبدالعظیم بیرون آورده، در ۲۸ جمادی الاولی ۱۳۰۸ ق. روانه غرب کشور کرد.

غروب آفتاب

وی در نیمه اول شعبان همان سال وارد بصره شد. از آنجا نامه ای بسیار مهم و سرنوشت ساز به آیت الله میرزا ششیرازی نوشت. آنگاه از عراق به سوی لندن

حرکت کرد و در آنجا با شدت بیشتری اوضاع نا هنجار دربار ایران را در روزنامه های اروپایی افشا نمود و خطر استبداد داخلی و استعمار خارجی را بر ملل مشرق زمین توضیح داد. همچنین نامه هایی با سران قبایل و علمای برجسته عالم اسلام، از جمله نامه ای به علمای بزرگ ایران تحت عنوان «حمله القرآن» ارسال داشت و از خیانتها و بی لیاقتی ناصر الدین شاه در اداره کشور پرده برداشت. او با ایجاد نشریه ای موسوم به «ضیاء الخافقین»، که اولین شماره آن در ماه رجب ۱۳۰۹ ق انتشار یافت، به فعالیت های افشاگرانه خود شعاع بیشتری بخشید تا اینکه دولت بریتانیا احساس خطر کرد و مانع از ادامه انتشار آن شد و خودسید را نیز بشدت در تنگنا قرار داد. (۳۲)

در این هنگام نامه «سلطان عبدالحمید» توسط «رستم پاشا» سفیر عثمانی در لندن مبنی بر دعوت سید جمال الدین به «آستانه» به منظور اصلاحات سیاسی در کشور و حکومت عثمانی به دست وی رسید. از طرفی هم چون سید از مدت ها پیش به فکر ایجاد تقویت «جهه متحد اسلامی در مقابل استعمار غرب بریتانیا بود، به این دعوت پاسخ مساعد داد. او با آرمانی بزرگ در سال ۱۳۱۰ ق، وارد مرکز خلافت اسلامی شد تا با تاسیس جهه واحد اسلامی عزت و شوکت از دست رفته مسلمانان جهان را به آنان بازگرداند. حدود چهار سال برای تحقیق این هدف مقدس سرمایه گذاری کرد و نامه های بسیاری به شخصیت های سیاسی، مذهبی و فرهنگی جهان اسلام نوشت و آنها نیز استقبال خوبی از این حرکت انقلابی به عمل آوردند.

از این سوی، سلطان عبدالحمید هم به خیال اینکه فردا خلیفه مقتدر عالم اسلام خواهد شد با سید جمال الدین همکاری می کرد. ولی هنگامی که احساس کرد تخت و تاج وی نیز باید فدای این آرمان بزرگ بشود به بهانه های گوناگون مخالفت و کار شکنیها را شروع کرد. او راه چاره را در آن دید که باید کار سید را یکسره کند و با یک ترفند شیطانی «مسمومیت» آن دانشمند سلحشور را به شهادت برساند. سرانجام این نقشه شوم در مورد سید جمال الدین عملی گردید و او در سال ۱۳۱۴ ق به دیدار محبوب خویش شتافت.

پیکر پاک سید با شور و احترام مردم قبرستان «شیخ لرمزاری» در شهر بندری استانبول به خاک سپرده شد.

در آینه آثار

با اینکه سید جمال الدین اسدآبادی از ده سالگی همواره در سفر به سر برده و مشغول مبارزه بوده است، در هر زمانکه فرصتی به دست می آورد در امر تالیف و تصنیف تلاش کرده است. از این رو آثار مکتوب این مرد بزرگ را به دو دسته می توان تقسیم کرد:

الف : آثاری در موضوعات مختلف که نام برخی از آنها به شرح زیر است.

۱. تتمه البیان فی تاریخ الافغان

۲. القضا و القدر

۳. اسلام و علم

۴. نیجریه یا ناتورا الیسم

۵. الوحدہ الاسلامیہ

۶. الواردات فی سر التجلیات

ب : نامه ها، سخنرانیها، مقالات، مذاکرات و مصاحبه

ها. که تعدادی از اینها با عناوین «مقالات جمالیه»، نامه

های سید جمال الدین»، «شرح حال و آثار سید جمال

الدین» یا در کتابهایی که پیرامون زندگی و آرمان سید

نوشته شده به چاپ رسیده است.

یادش گرامی و راهش پر رهرو باد.

۱ اقتباس از: شرح حال و آثار سید جمال الدین اسد آبادی، لطف اللہ جمالی.

۲ اسناد و مدارک درباره سید جمال الدین، صفات الله جمالی.

۳ اسناد و مدارک درباره سید جمال الدین اسد آبادی.

۴ سید جمال الدین پایه گذار نهضت‌های اسلامی، ص ۲۴.

۵ شرح حال سید جمال الدین اسد آبادی، ص ۲۹ و ۳۰.

۶ همان، ص ۳۱؛ سید جمال الدین حسینی پایه گذار نهضت‌های اسلامی، ص ۲۵.

۷ شرح حال و آثار سید جمال الدین اسد آبادی، ص ۳۱ و ۳۲.

۸ خاطرات سید جمال الدین.

۹ نقش سید جمال الدین در بیداری مشرق زمین، ص ۶۱.

۱۰ همان، ص ۶۲.

۱۱ سید جمال الدین حسینی پایه‌گذار نهضت‌های اسلامی، ص ۹۲.

۱۲ نهضت‌های اسلامی در صد سال‌های اخیر، مرتضی مطهری، ص ۲۰.

۱۳ مفخر شرق، غلامرضا سعیدی، ص ۶۲.

۱۴ سید جمال الدین حسینی پایه‌گذار نهضت‌های اسلامی، ص ۹۶.

۱۵ نقش سید جمال الدین در بیداریمشرق زمین، ص ۷۲، ۷۳.

سیری در اندیشه سیاسی غرب، ص ۹۸.

۱۶ سید جمال الدین حسینی پایه گذار نهضت‌های اسلامی، ص ۹۶.

۱۷ شرح حال و آثار سید جمال الدین، ص ۳۷ و ۳۸.

۱۸ زندگانی و فلسفه اجتماعی و سیاسی سید جمال الدین، ص ۳۸.

۱۹ مفخر شرق، ص ۸۶ و ۷۶.

۲۰ زندگانی و فلسفه اجتماعی و سیاسی سید جمال الدین، ص ۴۰ و شرح حال و آثار سید جمال الدین اسد آبادی، ص ۳۸ و ۳۷.

۲۱ نقش سید جمال الدین در بیداری مشرق زمین، ص ۲۲.

۲۲ مجموعه مقالات سواد و بیاض، ایرج افشار، جلد دوم، ص ۲۲۶ - ۲۳۲.

۲۳ سید جمال الدین حسینی پایه گذار نهضت‌های اسلامی، ص ۲۳۱





قسمت اول

روز امور تربیتی

نکته ارزشمند در تربیت کودکان

۲- باور ایمانی کودکان

میزان اعتقاد و باور ایمانی کودک به خداوند از یک نظر بسته به میزان اعتقاد و ایمان قلبی پدر و مادر به خداوند است. این اعتقاد نه با زبان و کلام، بلکه در سیرت و کردار ظاهر می شود. این باور نه از روی تحمیل، بلکه بر اساس بیدارگری فطرت شکل می گیرد.

بنابر این بیدارسازی فطرت پاک کودکان و حمایت از آن در مقابل طوفان شبهات و تحکیم آن بوسیله ی استدلال های عقلی و مواعظ دینی از وظائف مهم پدر و مادری باشد.

۳- زیبا دوستی

تقویت حس زیبادوستی در کودک بستر اصلی تربیت دینی و تعالی فضایل اخلاقی اوست. هنرهای زیبا و آموزش آن به کودکان در همان نخستین سال های آموزش، به آنها کمک می کند تا عواطف و هیجانات خود را به توازن و تناسب، تعالی بخشند و از آسیب ها و اختلالات روانی از جمله افسردگی، اضطراب، ترس، پرخاشگری و صدها عارضه دیگر مصون بمانند.

۴- ایجاد زمینه استقلال و آزاداندیشی

اگر به فرزندان خود بیاموزیم که چگونه نسبت به احساسات خود هوشیار شوند، می توانیم زمینه استقلال و آزاداندیشی را در آنها فراهم کنیم. اما اغلب والدین سعی می کنند احساسات خودشان را جانشین احساسات فرزندان کنند. هرکس تا زمانی که بر خود مسلط است می تواند فراتر از خود حرکت کند و زمانی که تحت سلطه احساسات دیگری است، نه تنها نسبت به خود هوشیاری ندارد، بلکه تمامی توان و انرژی خود را صرف کنترل عوامل بیرونی می کند. بنابراین شایسته است به فرزندان خود


نفس انسان در آغاز آفرینش سالم، صاف و بی آرایش است و تحت هر نوع تعلیم و تربیتی که قرار بگیرد به همان سرشت درمی آید. اگر تعلیم و تربیت و بر اساس فطرت پاک و استعدادهای درونی انسان باشد، او انسانی پاک، وارسته و با اخلاق دینی پرورش می یابد و اگر تربیت شخص بر فساد اخلاقی و معیارهای غیرالهی مبتنی باشد، وی به فردی فاسد و بی ایمان تبدیل می شود.

در میان مکتب های مختلف تربیتی که روش های متفاوتی از شیوه های تربیتی را ارائه می کنند، دین مبین اسلام روش خاصی را در راستای تربیت انسان ها ارائه می کند در این روش که در قرآن و احادیث هم بیان شده سعی می شود با آگاه ساختن افراد از خود و جهان اطراف به تربیت همه جانبه شخصیت آنان پرداخته شود و جامعه ای بر اساس برادری و برابری به وجود آید.

در این رابطه به نکاتی چند که دارای اهمیت ویژه ای است اشاره می کنیم:

۱- هنر خوب دیدن

وقتی به کودکان خود یاد می دهیم که به جای دیدن عیب دیگران، خوبی ها و نقاط قوت آنها را مد نظر قرار دهند، در حقیقت احساسات عالی آنان را تقویت کرده و پرورش داده ایم. این نوع نگرش به افراد، باعث می شود تا نسبت به خود نیز نگرش مثبت داشته باشند. خوش بختی در آن است که جنبه خوب افراد و اشیا را ببینیم؛ زیرا در تمام افراد و اشیا و پدیده های هستی، خوبی و بدی چون خورشید و سایه وجود دارد. باید هنر خوب دیدن و خوب انتخاب کردن را - که از جلوه های تربیت دینی است - به کودکان آموزش دهیم.



اجازه دهیم تا با آرامش درونی و اعتماد به نفس، احساسات خود را بیان کنند. ابراز وجود و داشتن صراحت در بیان احساسات عاملی برای کشف خود و هوشیار شدن نسبت به خود است.

۵- حرمت و عزت نفس

کودکان را باید برای وجود مستقل خودشان و نه صرفاً برای این که اطاعت و یا تقلید می کنند دوست بداریم. در این صورت است که حرمت و عزت نفس کودک افزایش می یابد و احترام به خود که زیرساز ساختمان شخصیت است شکل می گیرد؛ چرا که حالات و رفتارهای اقتباسی کودک، زودگذر و ناپایدارند. آنچه ماندنی و پایدار است، خصوصیات ذاتی و استقلال درونی است.

۶- قوه تخیل

رشد دادن قوه تخیل کودک از وظایف مهم والدین و مربیان است. این کار را از چند طریق می توانیم انجام دهیم. بازی های فکری، اجازه تصرف در بعضی از وسایل و اسباب بازی ها، قصه گوئی و کتاب خوانی از مهم ترین راه های پرورش قوه تخیل است. والدین باید مراقب باشند بعضی دروغ هایی را که کودکان بر اثر خیال پردازی می گویند، به عنوان رفتارهای ضد اخلاقی ارزیابی نکنند. در عوض باید کودک را کمک کنیم تا به تدریج بتواند بین افکار و خیال های خوش با واقعیت تمایز قائل شود.

۷- خودمداری

خودمداری کودک خردسال یک ویژگی ذهنی است و به معنی خودخواهی نیست. پدران و مادران باید مراقبت کنند به تصور این که فرزند آنان خودخواه شده، مبادرت به اصلاح این به اصطلاح خودخواهی نکنند و سعی نداشته باشند تربیت اخلاقی او را پیش بیندازند. مدارا با کودک و توضیح خطاها و اشتباهات او در ادراک و قضاوت، بهترین رفتار والدین در مقابل خودمداری فرزند خردسال است.

۸- نیاز به دوست داشتن

نیاز به دوست داشتن و شناخته شدن موجب بروز بسیاری از تظاهرات رفتاری نوجوان برای رسیدن به این اهداف است. هرگاه نیاز به شناسایی از طریق درس و هنر و توانایی رهبری به دست آید، دیگر نیازی نخواهد بود که نوجوان از طریق بلند صحبت کردن، بددهنی و رفتارهایی به منظور جلب توجه دیگران، که همه ما با آن از دوره نوجوانی آشنا هستیم، خود را نشان دهد.

۹- اتکا به خداوند

از مهم ترین هدف های تربیتی این است که کودکان را متکی به خداوند بار بیاوریم؛ زیرا ما در مقام پدر و مادر همواره با کودک نیستیم. آنچه برای همیشه باقی می ماند، پیوند او با خدای خویشتن است. مذهب، می تواند موجب افزایش امید در خانواده شود. امید و خوش بینی از پایه های بهداشت روانی است. توصیه می شود خداوند را ابتدا برای کودکان به عنوان مظهر محبت و رحمت توصیف کنیم تا آنها به مذهب و آفریدگار هستی علاقه مند شوند.

۱۰- اعتماد به نفس

برای افزایش اعتماد به نفس در کودک باید او را ترغیب کنید تا کارهایش را خودش انجام دهد و فقط به مقدار کمی که نیاز دارد به او یاری دهید. توانایی ها و استعداد های کودک را کشف کنید و روی آنها تکیه کنید تا کودک توانایی های خود را باور کند. او را به سبب توانایی ها و استعدادهایش تشویق کنید تا به تدریج استعدادهای او شکوفا شوند. اشتباهات او را به رخش نکشید. تلاش کنید در کلام و عمل خود به کودک پیام های مثبت و امید به آینده بدهید.

ادامه دارد

حضور نماینده مقام معظم رهبری در مجلس جشن مولود نبوی برادران اهل سنت



الاسلام والمسلمین سید محمود مدنی به زبان عربی به ایراد سخن پرداختند و در ضمن تبریک این میلاد مسعود اظهار داشتند خدای متعال پیامبر اکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) را با این جمله توصیف کرد: «انک لعلی خلق عظیم». توجه به این روایت در توضیح این آیه شریفه بسیار روشنگر است. شخصی به امام علی (علیه السلام)

بمناسبت ولادت با سعادت نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) و با دعوت عالم بزرگوار سید علی الهاشمی مستشار قضائی و فقهی رئیس دولت امارات جلسه جشن باشکوهی با حضور سفیر کشورهای اسلامی و بسیاری از علمای اهل سنت و برخی از علمای شیعه در ابوظبی برگزار شد.

در این جلسه نماینده مقام معظم رهبری حجة الاسلام والمسلمین سید محمود مدنی به همراه سفیر جمهوری اسلامی ایران و رایزن فرهنگی بنا به دعوت آقای سید علی الهاشمی حاضر شده و به سخنرانی پرداختند.

در این جلسه ابتدا آقای سید علی الهاشمی به حضار خوشامد و تبریک گفت سپس حجة

و آله) که در قرآن آمده است «اذن خیر» است. خدا می فرماید: «یقولون هو اذن * قل اذن خیر لکم». این آیه شریفه بیان این خصوصیت است که پیامبر (صلی الله علیه و آله) افراد را تصدیق می کرد و با این تصدیق ضمن احترام به همه افراد از ایجاد فتنه و اختلاف و ... جلوگیری می نمود. ما امروز نیازمند به اعتماد عمومی همه فرق ها و مذاهب به یکدیگر هستیم. از اتهام زن ها و تکفیرها باید خودداری شود و اذن خیر باشیم.

وی از برگزاری جشن میلاد که موجب اخوت و محبت بیشتر بین مسلمین هست تشکر و قدردانی کرد.

عرض کرد اخلاق پیامبر (صلی الله علیه و آله) را برای ما وصف کن. امام علی (علیه السلام) به او فرمود: تو نعمت های دنیا را برایم توصیف کن. وی عرض کرد: برای من امکان ندارد زیرا قرآن می فرماید: «و ان تعدوا نعمت الله لا تحصوها». امام امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: تو از توصیف نعمت های الهی که خدا آنرا در قرآن «متاع قلیل» می نامد عاجزی چگونه می توانم اخلاق رسول الله (صلی الله علیه و آله) را توصیف کنم که خدا آنرا «خلق عظیم» نامیده است.

آری توصیف کامل آن اخلاق ممکن نیست ولی یکی از خصوصیات نبی اکرم (صلی الله علیه



در شام ولادت پیامبر (ص) بعد از نماز مغرب و عشاء مراسم جشن و سرور در مسجد امام حسین (ع) با حضور گسترده مردم خداجوی و ارادتمند به ساحت قدس پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) برپا شد. در این مراسم با شکوه گروهی از تواشیخ خوانان، برادران اهل سنت (بلال الشام) در مدح پیامبر (ص) به مولودی خوانی و تواشیح پرداختند و با اشعار زیبای خود حضار را به وجد آوردند.

این مولودی خوانی با اشعاری در توصیف و ثنای حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و حضرت امیر مومنان (علیه السلام) و حضرت زهرا (سلام اله علیها) و عموم اهل بیت (علیهم السلام) همراه بود و بلافاصله پس از نماز جماعت مغرب و عشاء شروع شد و نزدیک به یک ساعت طول کشید و حضار از این مراسم بسیار لذت برده و احساس شور و شرف می کردند.

**جشن هفته
وحدت
و شب میلاد
پیامبر (ص) با
حضور برادران
اهل سنت**

مسابقات قرآن دانش آموزان در رشته های حفظ و ترتیل در مدرسه حضرت خدیجه (س) با حضور پر شور دانش آموزان خواهر در مقاطع مختلف تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان برگزار شد.

در شروع این مراسم معنوی نماینده مقام معظم رهبری حاج سید محمود مدنی که حضور داشتند در مورد قرآن به عنوان دستورالعمل زندگی از طرف خدا به ایراد سخن پرداختند و حضار را دعوت نمودند به این دستورالعمل زندگی عمل نمایند. بلافاصله مسابقات شروع شد تا ۲۶۰ دانش آموز با هم به رقابت بپردازند.





به همه سؤالات و شبهات به صورت حضوری و تلفنی و اینترنتی خبر داد و افزود ما آماده ایم برای هر گروهی از دانشجویان که متقاضی باشند دوره های از معارف و علوم اسلامی را بر گزار نمائیم. و برای برخی اردوهای

دانشجویی و جلسات ویژه دانشجویان اعلام آمادگی می نمائیم.

پس از ایشان حجة الاسلام والمسلمین راشد یزدی با دانشجویان سخن گفت و ایشان ضمن تذکر جایگاه مهم دانشگاه در رشد و توسعه و عمران کشور فرمودند: منبع همه پیشرفت ها دانشگاه است باید از تمام ظرفیت خود برای کسب دانش استفاده کنید امروز دنیای سرعت است اگر کوچکترین غفلت و کوتاهی کنیم عقب می مانیم مایا قدرتها بزرگ صنعتی و علمی دنیا در مسابقه ایم و نباید شکست بخوریم برای بدست آوردن بالاترین قله های علمی تلاش کنید و سپس به کشور بر گردید و به مردم بزرگ ایران خدمت کنید.

روز شنبه ۹۰/۱۱/۲۲ همزمان با حماسه بزرگ بیست و دوم بهمن باشگاه ایرانیان دبی میزبان میهمانان ارجمندی از دانشجویان و دانش پژوهان و فرهیختگان بود.

دانشجویان دانشگاه های آزاد واحد امارات و پیام نور واحد امارات به همراه برخی از اساتید و رؤسای و معاونین محترم این دانشگاه ها میهمان واحد فرهنگی و دانشجویی مسجد امام حسین (علیه السلام) بودند.

در این مراسم پس از قرائت قرآن کریم نماینده مقام معظم رهبری ضمن تبریک اعیاد ولادت رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) و ولادت امام صادق (علیه السلام) و بیست و دوم بهمن ماه سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی از حضور همه اساتید و دانشجویان در جلسه سیاستگذاری نمود وی گفت: دانشجویان جزء طبقات تأثیر گذار و تاریخ ساز آینده اند بدون شک همه افتخارات تاریخی ملت بزرگ ایران به عنوان امانت به دستهای پر توان شما سپرده می شود در صورتی که به خوبی انجام وظیفه کنیم آیندگان از ما به نیکی یاد خواهند کرد همانگونه که ما از افتخارات گذشتگان یاد می کنیم ولی اگر کوچکترین کوتاهی و قصوری بورزیم باید در پیشگاه عدل الهی و به آیندگان پاسخ گو باشیم.

وی افزود امروز دنیای انفجار اطلاعات و بطور طبیعی گسترش و افزایش سؤالات و شبهات است و اسلام از پرسش و پاسخ استقبال می کند مهم اینست که دانشجویان عزیز شبهات خود را با متخصصان مربوطه مطرح کنند و به دنبال جواب آن باشند.

ایشان سپس از آمادگی مسجد امام حسین (ع) برای پاسخگویی

بیانات نماینده مقام معظم رهبری شروع شد و بعد از آن آقای راشد یزدی به سخنرانی پرداختند و سپس دانشجویان با صرف نهار پذیرایی شدند.

در پایان قابل ذکر است که در شب ۲۲ بهمن باشگاه ایرانیان مراسمی به همین مناسبت و هفته وحدت تدارک دیده بودند نماینده مقام معظم رهبری به عده ای از همراهان خود در این مراسم شرکت نمودند که در این مراسم نیز حضار شرکت کننده از سخنرانی حجة الاسلام راشد یزدی استفاده کردند.

یکی دیگر از مراسم هایی که در این ایام خجسته برگزار شد مراسم دانش آموزان مدرسه توحید پسران بود که با دعوت معلمین زحمتکش در روز یکشنبه حجة الاسلام والمسلمین راشد یزدی در مدرسه توحید نماز جماعت را اقامه کرده و پس از آن با نصیحت های پدرا نه خود جوانان و نوجوانان عزیز را به فیض رساندند.

ضمناً در روز ۱۹ بهمن آقایان حجج اسلام سید محمود مدنی و راشد یزدی و بابائیا به همراه هیئت همراه در مراسمی که به مناسبت روز ملی جمهوری اسلامی ایران که در کنسولگری جمهوری اسلامی ایران برگزار شده بود شرکت کردند.

در ضمن مراسم حضار محترم دهان خود را شیرین کرده و پذیرایی می شدند و پس از پایان مراسم همگی در کنار سفره امام حسین (ع) شام را صرف و مراسم به پایان می رسید. حضور مردم در جشن هفته وحدت و ایام



پیروزی انقلاب اسلامی بسیار گسترده بود و مردم از این مراسم استقبال خوبی کردند. همچنین بعد از نماز جمعه آقای راشد یزدی به سخنرانی پرداختند که مردم از بیانات ایشان استفاده لازم را بردند.

در روز ۲۲ بهمن از طرف مسجد امام حسین (ع) در باشگاه مراسمی برای دانشجویان دانشگاه آزاد و پیام نور و دیگر دانشگاه های مستقر در امارات تدارک دیده شده بود که دانشجویان از مراسم استقبال کردند و در این مراسم که پس از اقامه نماز جماعت توسط حجة الاسلام والمسلمین راشد یزدی با خیر مقدم و تبریک گویی ایام

مراسم میلاد باسعادت پیامبر اکرم (ص) و امام جعفر صادق (ع) و هفته وحدت و ایام خجسته بیست و دوم بهمن با شکوه هر چه تمام در مسجد امام حسین (ع) دبی برگزار شد. در این مراسم با شکوه که از پنجشنبه آغاز شده بود تا روز شنبه به مدت چهار شب با حضور گسترده مردم ادامه داشت، حجة الاسلام والمسلمین راشد یزدی در مناقب و فضائل و اخلاق پیامبر مکرم اسلام و الگو گرفتن از اخلاق حسنه آن حضرت به ایراد سخن پرداختند.

در این شب های سراسر جشن و سرور گروه تواشیح برادران علمای اهل سنت ابو ظبی و گروه تواشیح هدی که از ایران شرکت داشتند با صدای زیبای خود مردم را به فیض رساندند.

در این چند شبی که مراسم برگزار شد پس از اقامه نماز جماعت به امامت حجة الاسلام والمسلمین حاج سید محمود مدنی مراسم با قرائت آیاتی از کلام الله مجید آغاز می شد سپس یکی از برادران به مولودی خوانی می پرداخت و یا از وجود تواشیح استفاده می شد پس از آن سخنران شهیر حجة الاسلام والمسلمین به ایراد سخن پرداخته و با سخنان زیبای خود مستمعین را به وجد می آورد.

عید نوروز چگونه شکل گرفت

و نیز حدیثی است از معلی بن خنیس که گفت: روز نوروز بر حضرت جعفر بن محمد صادق (ع) در آمدم گفت آیا این روز را می شناسی؟ گفتم این روزی است که ایرانیان آن را بزرگ می دارند و به یکدیگر هدیه می دهند. پس حضرت صادق (ع) گفت سوگند به خداوند که این بزرگداشت نوروز به علت امری کهن است که برایت بازگو می کنم تا آن را دریابی. پس گفت: ای معلی، روز نوروز روزی است که خداوند از بندگان خود پیمان گرفت که او را بپرستند و او را شریک و انبازی نگیرند و به پیامبران و راهنمایان او بگروند. همان روزی است که آفتاب در آن طلوع کرد و بادهای وزیدن گرفت و زمین در آن شکوفا و درخشان شد. همان روزی است که کشتی نوح در کوه آرام گرفت. همان روزی است که پیامبر (ص) خدای امیر المومنین علی (ع) را بر دوش خود گرفت تا بت های قریش را از کعبه به زیر افکند. چنان که ابراهیم نیز این کار را کرد. همان روزی است که خداوند به یاران خود فرمود تا با علی (ع) به عنوان امیر المومنین بیعت کنند. همان روزی است که قائم آل محمد (ص) و اولیای امر در آن ظهور می کنند و همان روزی است که قائم بر دجال پیروزی می شود و او را در کنار کوفه بر دار می کشد و هیچ نوروزی نیست که ما در آن متوقع گشایش و فرجی نباشیم، زیرا نوروز از روزهای ما و شیعیان ماست.

جشن نوروز

جشن نوروز دست کم یک یا دو هفته ادامه دارد. ابوریحان بیرونی مدت برگزاری جشن نوروز را پس از جمشید یک ماه می نویسد: « چون جم درگذشت پادشاهان همه روزهای این ماه را عید گرفتند. عیدها را شش بخش نمودند: ۵ روز نخست را به پادشاهان اختصاص دادند، ۵ روز دوم را به اشراف، ۵ روز سوم را به خادمان و کارکنان پادشاهی، ۵ روز چهارم را به ندیمان و درباریان، ۵ روز پنجم را به توده مردم و پنجه ششم را به بزرگان. ولی برگزاری مراسم نوروزی امروز، دست کم از پنجه و «چهارشنبه آخر سال» آغاز می شود و در «سیزده بدر» پایان می پذیرد. از آداب و رسوم کهن پیش از نوروز باید از پنجه، چهارشنبه سوری و خانه تکانی یاد کرد.

انسان، از نخستین ادوار زندگی اجتماعی، متوجه بازگشت و تکرار برخی از رویدادهای طبیعی، یعنی تکرار فصول شد. نیاز به محاسبه در دوران کشاورزی، یعنی نیاز به دانستن زمان کاشت و برداشت، فصل بندی ها و تقویم دهقانی و زراعی را به وجود آورد. نخستین محاسبه فصل ها، بی گمان در همه جوامع با گردش ماه که تغییر آن آسانتر دیده می شد صورت گرفت. و بالاخره در نتیجه نارسایی ها و ناهماهنگی هایی که تقویم قمری، با تقویم دهقانی داشت، محاسبه و تنظیم تقویم بر اساس گردش خورشید صورت پذیرفت. سال در نزد ایرانیان از زمانی نسبتاً کهن به چهار فصل سه ماهه تقسیم شده و همان طور که ابوریحان بیرونی در آثار الباقیه آورده است آغاز سال ایرانی از زمان خلقت انسان (یعنی ابتدای هزاره هفتم از تاریخ عالم) روز هرمز از ماه فروردین بود، وقتی که آفتاب در نصف النهار، در نقطه اعتدال ربیعی، و طالع سرطان بود.

پیدایش جشن نوروز

جشن نوروز را به نخستین پادشاهان نسبت می دهند. شاعران و نویسندگان قرن چهارم و پنجم هجری چون فردوسی، عنصری، بیرونی، طبری و بسیاری دیگر که منبع تاریخی و اسطوره ای آنان بی گمان ادبیات پیش از اسلام بوده، نوروز را از زمان پادشاهی جمشید می دانند. در خور یادآوری است که جشن نوروز پیش از جمشید نیز برگزار می شده و ابوریحان نیز با آن که جشن را به جمشید منسوب می کند یادآور می شود که: «آن روز که روز تازه ای بود جمشید عید گرفت؛ اگر چه پیش از آن هم نوروز بزرگ و معظم بود».

روایت های اسلامی درباره نوروز

آورده اند که در زمان حضرت رسول (ص) در نوروز جامی سیمین که پر از حلوا بود برای پیغمبر (ص) هدیه آوردند و آن حضرت پرسید که این چیست؟ گفتند که امروز نوروز است. پرسید که نوروز چیست؟ گفتند عید بزرگ ایرانیان. فرمود: آری، در این روز بود که خداوند عسکره را زنده کرد. پرسیدند عسکره چیست؟ فرمود عسکره هزاران مردمی بودند که از ترس مرگ ترک دیار کرده و سر به بیابان نهادند و خداوند به آنان گفت بمیرید و مردند. سپس آنان را زنده کرد و ابرها را فرمود که به آنان بیازند از این روست که پاشیدن آب در این روز رسم شده. سپس از آن حلوا تناول کرد و جام را میان اصحاب خود قسمت کرده و گفت کاش هر روزی بر ما نوروز بود.